



Kieran Durkin

The Radical Humanism of Erich Fromm

Palgrave Macmillan, New York, 2014. 288pp., £62.50 / \$105.00 hb

[ISBN 9781137436399](https://doi.org/10.1007/978-1-137-43639-9)

Reviewed by Michael Arfken

<http://marxandphilosophy.org.uk/reviewofbooks/reviews/2015/1497>

اومانیزم رادیکال اریک فروم

کیران دورکین

انتشارات: پالگراف مک میلان، نیویورک 2014، 288 ص. 105 دلار / 62/50 لیره

[ISBN 9781137436399](https://doi.org/10.1007/978-1-137-43639-9)

مرور کننده: میشل آرفکن

گرچه دانش پژوهی حاکم بر مکتب فرانکفورت، خود بخشی از صنعت روشنفکری شده است، با اینهمه بخش اعظم این پژوهش، بر نقش و مشارکت آدورنو، هورکهایمر و مارکوزه در نظریه اجتماعی قرن بیستم متمرکز شده است. گرچه اریک فروم توجه زیادی را به خود جلب نموده اما عموماً در برابر این اندیشمندان معتبر و تاثیر گذار زیاد جدی گرفته نشده است. بنابراین ضروری است این سوال را طرح نماییم که آیا نظریه اجتماعی معاصر آنچنان دقیق طرح و مطالعه شده است که بتواند به مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیار تاثیر گذار دوران معاصر پاسخ گوید؟ اگر معتقد باشیم که تئوری اجتماعی واقعاً منعکس کننده ی ساختار جامعه مدرن به همراه گرایشات رقیب روشنفکری است که برای کسب منابع مادی در رقابت اند، آنگاه درمی یابیم که زمان برای طرح ایده های خاص روشنفکرانه و راندن سایر ایده ها به حاشیه ی تفکر انتقادی آماده است. اگر آثار فروم را در پس زمینه ی مجادلات نظری اجتماعی معاصر قرار دهیم، اومانیزم رادیکال اریک فروم نشان می دهد که چگونه یک رویکرد جدید قادر است مسائل غامض و بظاهر غیرقابل حلی که چشم انداز روشنفکری را احاطه کرده اند، حل و فصل کند.

دورکین، نویسنده ی کتاب « اومانیزم رادیکال اریک فروم » به گفته ی میشل آرفکن، توضیح بیوگرافیکی جالبی از زندگی اریک فروم، با تمرکز بر کانتکت سیاسی و اجتماعی آثار وی و روابط فردی و حرفه ای که شکل دهنده ی و مقوم اندیشه های او بوده، مطالب آغازین کتاب را تشکیل می دهد. وی با ترسیم پرتره ای کامل از فروم با مراجعه به انبوه آثار وی در آرشیوها نشان می دهد که فروم عمیقاً درگیر مسائل مبارزاتی

روشنفکرانه بوده و بوضوح ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی مدرن را تبیین کرده است. نویسنده در چارچوب گرافیکی خود نشان می‌دهد که فروم با در دست داشتن مجموعه‌ای از سنت‌ها و رویکردها، از زاویه‌ی روانشناسی تحلیلی و مارکسیسم با مطالعات فرهنگی و محیط‌شناسانه برخورد کرده است. دورکین نقشی را که نظریه‌ی تکاملی در اندیشه‌ی فروم بازی کرده با جزئیات کامل بازگو می‌کند و نشان می‌دهد که تا چه اندازه بر محیط روشنفکری خود تاثیر گذار بوده است.

بگفته‌ی دورکین زبده‌ی نوشته‌های فروم جدل اومانیزم رادیکال با ایده‌های ضد اومانیزستی دوران خود بوده است. اینک نیز، در دورانی که بخاطر دهه‌ها حاکمیت ایده‌های فراساختاری و استثماری که کوچکترین تاثیر مثبتی بر زندگی عینی مردم تحت ستم نداشته اند بازگشت به ایده‌های اومانیزستی و سیاسی فروم ضرورتی حتتا بیشتر از قبل دارد. بازگشت به اومانیزم رادیکال فرومی، نه تنها رویکرد غیر انتقادی فردی فعال و راسیونال در اقتصاد سیاسی کلاسیک و نه حتتا احیای جوهر اجتماعی انسان نخواهد بود، بلکه دتانت میان لزوم ایجاد بنیانی مستحکم برای عمل سیاسی و شناسایی نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در تلاقی مرزهای هر پروژه بنیادی بازی می‌کنند، خواهد بود. اندیشه‌ی فروم از این زاویه، به مثابه‌ی «جوهر کیفی» خواهد بود که جایی میان نسبی‌گرایی افراطی پست مدرنیسم و جوهر مطلق که پست مدرنیسم در برابرش موضع می‌گیرد خواهد بود.

جوهر بنیادی اومانیزم رادیکال فروم به ادعای دورکین، بازسازی ایده‌ی طبیعت انسانی است که بسیار مورد سوء استفاده واقع شده است. در نظریه‌ی اجتماعی معاصر، ایده‌ای که مدعی است وجوه بنیادی فرد او را به انسانیت مشترک به مثابه‌ی یونیورسالیسم صلب شده‌ای پیوند می‌زند که مجموعه‌ای متنوع و غنی از اعمال اجتماعی را به فردیت تقلیل می‌دهد و در پی ایجاد دیدگاه جهانی همگن برمی‌آید، به صورت اندیشه‌ی آیینی در آمده است. البته دورکین منکر این نیست که طبیعت بشر در مواردی به مثابه‌ی ابزار سلطه مورد استفاده واقع شده است اما می‌گوید که اثر فروم در نشان دادن جنبه‌های انقلابی طبیعت انسان و تمایز کردن آن از جوهری که در خدمت وضع موجوداند، مقام بسزایی دارد. بنابراین درک و شناسایی چیزهایی که فرد را به انسانیت مشترک پیوند می‌زند، محتوای حیاتی هر پروژه‌ی سیاسی رادیکال است که ارزش مطالعه دارد.

در بعضی موارد، تاکید بیش از اندازه‌ی دورکین برای ایجاد تقابل قوی و رقابت آمیز میان فعالیت‌های منحصر بفرد روشنفکران حاشیه و توپخانه‌ی تئوریک وضع موجود اجتماعی ماهیت همدلانه‌ی چشم انداز روشنفکری معاصر را تیره و تار می‌کند. ادعای وی مبنی بر اینکه نظریه‌ی اجتماعی مدرن اساساً غیر اومانیزستی است، گرچه وجه مهمی از اندیشه‌ی غالب معاصر را برجسته می‌کند، در عین حال اما در عرصه‌ای گشوده تر

مجموعه ای از تفکرهای را مطرح می کند که اومانستی بودن آنها محل شبهه است - حتا اگر مدعی رادیکال بودن باشند - زیرا کوچکترین علاقه ای به برپایی بنیانهای تئوری حقیقت ندارند. یکی از نمونه های بارز این ادعا ریچارد رورتی است.

با توجه به رد شدید فلسفه ی تاریخ مارکس از سوی رورتی و توهین های مبتذلانه اش به جنبش های سیاسی ملهم از مارکسیسم، بسختی می توان آثار وی را در زمره ی اومانیسم رادیکال قرار داد. اگر این حقیقت را که پراگماتیسم جدید رورتی در واقع تکرار سنت ضد اومانستی گذشته در قالب نو است، به گفته های دورکین اضافه کنیم، هیچ دلیل قانع کننده ای در دست نداریم که بتوانیم با استناد به آن رورتی را حتا در زمره منتقدین رادیکال ساختار طبقاتی جامعه بشمار آوریم.

متأسفانه ادعاهایی موجود است که رورتی را هم اومانیست و عمیقاً منتقد کاپیتالیسم جا می زنند. ظاهراً منبع این ادعاها در مفهوم بسیار بسته ی طبیعت انسانی است. دورکین در تلاش برای بازسازی طبیعت انسانی، آنتی فونداسیونالیسم را معادل آنتی اومانیسم قلمداد می کند. این کار نه تنها بسیاری از نظریات معاصر در حوزه ی علوم اجتماعی و سیاسی را از شکل می اندازد بلکه فرصت برکشیدن اندیشه ی فروم را به عرصه ی دیالوگ منطقی با سنت هایی که درک های متفاوتی از طبیعت انسان از فلسفه و اخلاق ارسطویی تا کمونیتاریانیسم و پراگماتیسم معاصر را عرضه می کنند، از دست می دهد. در مورد رورتی، اومانیسم نیازی به آویزان شدن به طبیعت عام بشر ندارد بلکه به جای آن می تواند از این نقطه عزیمت کند که هر یک از انسانها در جایی میان فعالیت های اجتماعی شیوه ی جا افتاده ی زندگی و شکل نوین و رادیکالی از حیات قرار دارند که قادر به درک کلیت آن نیستیم. از این زاویه، احتمالاً طبیعت ما در هیات چیزی که به سویش حرکت می کنیم بهتر درک می شود تا در قامت چیزی که رویش ایستاده ایم. اشتباه رورتی در تلاش نیست که می خواهد نشان دهد اپیستمولوژی و آنتولوژی ما ضرورتاً در تضاد با پس زمینه ی فعالیت های سنتی ما قرار می گیرد، بلکه دفاع او از سنتی که آشکارا ناسالم است عمق دریافت های او را آلوده می کند.

در کانتکست ارزیابی مجدد آثار فروم، بیان رابطه ی میان روانشناسی تحلیلی و نظریه اجتماعی عمومیت یافته ضروری و بسیار حائز اهمیت است. در اکثر سالهای قرن بیستم روانشناسی تحلیلی با زبانی مناسب برای بیان رابطه ی دیالکتیکی بین روانشناسی انسان و اغلب جنبه های حاکم در جامعه مدرن، به یاری تئوری های اجتماعی آمده است. مطابق گفته دورکین یکی از مهمترین خدمات فروم به نظریه روانشناسی تحلیلی - و یکی از عوامل اصلی جدایی وی از دوستانش در مکتب فرانکفورت - تلاش وی جهت توسعه ی روانشناسی تحلیلی در درون سوژه گی است. در حالیکه چالش فروم با تئوری لیبیدو به ظاهر در آزمون زمان است، عاقلانه است

اگر تحلیل های روانشناسانه ی کلاسیک یا معاصر در تبیین ساختار اجتماعی و دخالت علایق اقتصادی به پرسش کشیده شود. بدون اینکه در کارآیی روانشناسی تحلیلی در فعایت های کلنیکی شك کنیم می توانیم چشم انداز های حاشیه ای از جریان اصلی روانشناسی را به مبارزه ی طبقاتی تعمیم دهیم. شناخت را می توان با تاسی به خود مارکس آغاز کرد که معتقد بود روابط اجتماعی و تکنولوژی توسعه یافته در کاپیتالیسم بخش جدایی ناپذیر پروسه ی غلبه بر کاپیتالیسم است. در این روانشناسی می توان با تمرکز بر رویکردهای گوناگونی آغاز کرد که شناخت ذاتی و علم اعصاب اجتماعی نه در حاشیه امور بلکه در بطن و درون آنها فعالیت می کند. با توجه به منابع عمده ای که در این حوزه ها ریشه دوانده، استراتژی اصلی با توجه به مبارزه طبقاتی قادر است به عنوان مقوم در رویکرد انقلاب در تئوری اقتصادی و سیاسی بکار گرفته شود. در حالیکه هیچ دلیلی برای مستثنا کردن روانشناسی تحلیلی از این پروژه وجود ندارد، اما اگر همین روانشناسی، نقطه ی عزیمت چنین انقلابی در نظر گرفته شود ممکن این راه به خطا ببرد.

یکی از درس هایی که می توان از تئوری اجتماعی معاصر گرفت این است که ساختارهای اقتصادی و سیاسی ما از بازتولید مفهوم خاصی از فرد - آنتروپولوژی فلسفی - اخذ و قوام می گیرد. از نظر بعضی از اندیشمندان خود این حقیقت کمابیش علامت مرگ عمل سیاسی معنادار است. در حالیکه عده ای دیگر طبیعت بشر را آخرین پناهگاه نهادهای متعارض می شمارند که به بهره کشی از بخش اعظم جهان به نفع منافع شخصی خود ادامه می دهند. اومانیسم رادیکال اریک فروم خاطرنشان می سازد کسانی که آلترناتیوی در برابر تسلیم به این نهادها نمی بینند، بطور خطرناکی با جریان اصلی همسو می شوند. به این ترتیب بررسی مجدد آثار فروم فرصت منحصر بفرد و بسیار مهم در اختیار کسانی قرار می دهد که برای ایجاد آلترناتیوی سیاسی و اقتصادی در برابر شرایط حاضر مبارزه می کنند.